

## مهاجرت نیروی کار متخصص و نیمه‌ماهر ایرانی: وضعیت، نیروهای محرک و آثار

پویا علاء‌الدینی \*

طی چند دهه‌ی گذشته، تعداد قابل توجهی از ایرانیان به خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند. در میان ایرانیان مقیم کشورهای خارجی شمار زیادی متخصص، کارآفرین و صاحب سرمایه دیده می‌شود. این تخصص‌ها، توانایی‌ها و سرمایه‌ها اغلب یا به طور مستقیم از ایران به کشورهای مقصد انتقال یافته‌اند یا با حمالت مالی و معنوی داخلی به طور غیرمستقیم در کشورهای مقصد ایجاد شده‌اند. همچنین، تقاضا برای مهاجرت از ایران همچنان به قوت خود باقی است. اما در بیشتر مواقع در حالی که نیروهای متخصص، کارآفرینان و صاحبان سرمایه امکان مهاجرت را می‌یابند، نیروهای کار با مهارت‌های تراز متوسط و پایین کمتر به یافتن شغل در خارج از کشور موفق می‌شوند. هدف از این مقاله بررسی جنبه‌های مهم گرایش قابل توجه اتباع ایرانی به مهاجرت برون‌مرزی در چند دهه‌ی اخیر با تأکید بر مهاجرت نیروی کار متخصص، کارآفرینان و صاحبان سرمایه و داده‌های موجود در باب مهاجرت ایرانیان به خارج از کشور ارائه می‌شود، گمانه‌زنی‌هایی در باب علل مهاجرت انجام می‌گیرد، و به برخی آثار احتمالی مهاجرت آنان اشاره می‌شود. همچنین، در مقاله تلاش‌های دولت در زمینه‌ی اتصال مجدد مهاجران به کشور از یک‌سو و تسهیل مهاجرت نیروی کار مازاد به صورت اداره‌شده از سوی دیگر مورد توجه قرار می‌گیرد و در مقام نتیجه‌گیری سلسله‌ای از پیشنهادها عرضه می‌گردد.

واژگان کلیدی: مهاجرت، نیروی کار متخصص، نیروی کار نیمه‌ماهر، فرار مغزها، مدیریت مهاجرت، اتصال مجدد مهاجران ایران.

مقدمه

در سه دهه‌ی گذشته، افزایش مهاجرت‌های برون‌مرزی در سراسر دنیا چشمگیر بوده است. بخش عظیمی از این جابجایی‌ها شامل مهاجرت از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه‌یافته و یا کشورهای در حال توسعه‌ی دیگر است. مشکلات اجتماعی-اقتصادی، به‌خصوص میزان بالای فقر، بیکاری و کم‌کاری، از عمده‌ترین عوامل موجد این پدیده هستند. شرایط سیاسی و اجتماعی-فرهنگی نامساعد، جنگ‌های خارجی و داخلی و بلایای طبیعی نیز در بسیاری از موارد باعث رشد گرایش‌های مهاجرتی می‌شوند. جدای از این عوامل، فرایند جهانی‌شدن - که در دو دهه‌ی اخیر همراه با بهبود وسایل ارتباط جمعی و حمل و نقل به منصفی ظهور رسیده - جابجایی‌های برون‌مرزی را به‌طور روزافزونی تسهیل کرده است. در بسیاری موارد، افرادی که در زمره‌ی نیروی کار ماهر (دارای صلاحیت‌های حرفه‌ای یا تحصیلات عالی) یا کارآفرینان و صاحبان سرمایه محسوب می‌شوند شرایط مساعدتری برای مهاجرت دارند. این افراد اغلب به سهولت با گرایش‌های جهانی همسو می‌شوند و امکانات بیشتری برای احراز شغل مناسب یا بهره‌گیری از دیگر فرصت‌های اقتصادی در کشورهای مقصد دارند. مهاجرت نیروی کار ماهر و نیمه‌ماهر می‌تواند بسته به شرایط برای جوامع مبدأ، کشورهای مقصد و مهاجران توأم با منفعت یا هزینه باشد (برای هزینه‌ها و مزایای احتمالی بنگرید به هریس<sup>۱</sup> ۲۰۰۲، راسل<sup>۲</sup> ۱۹۹۲، اسکلدن<sup>۳</sup> ۲۰۰۳، اسکلدن ۱۹۹۰).

نزد مهاجران، هرچند تغییر کشور اقامت می‌تواند موجب فراهم آمدن فرصت‌های شغلی و اجتماعی بهتر شود، اما ورود به محیط ناآشنا و گهگاه خصمانه اغلب بدون پیامدهای روانی نیست. همچنین، ممکن است مهاجران قادر به یافتن فرصت‌های اقتصادی مناسب در کشور مقصد نشوند و حتی مشغول به کارهایی شوند که در وطن خود تمایلی به انجام آن‌ها نداشته‌اند. در حالی که کشورهای رو به توسعه برای تربیت نیروی کار سرمایه‌گذاری‌های زیادی انجام می‌دهند، مهاجران این سرمایه‌ها را همراه خود به دیگر جای‌ها می‌برند. آثار این خروج سرمایه آنگاه شدیدتر است که مهاجران در زمره‌ی مجربترین نیروهای کار یا کارآفرینان در کشور خود باشند. در مقابل، با توجه به نرخ بالای بیکاری و کم‌کاری، فقدان فرصت‌های شغلی تخصصی و فراهم نبودن فضای مناسب برای شکوفایی استعدادها در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، ممکن است بخشی از نیروی کار ماهر و نیمه‌ماهر قادر به فعالیت اقتصادی در موطن خود نگردد

1. Harris

2. Russel

3. Skeldon

و در واقع وجودش در کشور متبوع خود کم‌تأثیر یا حتی مشکل‌آفرین باشد. صرف نظر از این موضوع، وجوهی که مهاجران به کشورهای متبوع خود می‌فرستند اغلب از منابع اصلی یا مهم ارز خارجی برای آن کشورها محسوب می‌شود. البته میزان تأثیر اقتصادی این وجوه بسته به نحوه‌ی هزینه شدن آن‌ها متفاوت است (مثلاً برای خرید کالاهای تجملی در مقایسه با سرمایه‌گذاری‌های مولد). همچنین، مهاجرت موقت یا ادواری می‌تواند زمینه‌ی بازگشت سرمایه به کشورهای مبدأ مهاجران را فراهم آورد. مهاجران بازگشته اغلب دارای پس‌انداز هستند و آگاهی، مهارت یا توان کارآفرینیشان در طول دوره‌ی مهاجرت ارتقاء یافته است (که می‌تواند بر جوامعشان بسیار تأثیرگذار باشد). حتی ممکن است مهاجران بدون بازگشت تأثیر زیادی بر کشورهای مبدأ بگذارند. در سال‌های اخیر، بسیاری از مهاجران موفق در کشورهای مقصد تسهیلگر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اعطای قراردادهای برون‌سپاری، و انتقال دانش و فناوری به نفع کشورهای مبدأ شده‌اند. تأثیر دیگر مهاجران از طریق نفوذ در جامعه‌ی سیاسی کشورهای مقصد جهت گرفتن امتیازات تجاری و دیپلماتیک (در برخی مواقع جهت ایجاد موانع تجاری و دیپلماتیک) برای کشورهای مبدأ است.

کشورهای مقصد اغلب از ورود نیروی کار ماهر مهاجر به بازار کارشان (بدون نیاز به پرداخت هزینه برای تربیت سرمایه‌ی انسانی) بهره می‌برند. اما ممکن است مهارت‌های مهاجران با نیازهای بازار کار کشور مقصد تطابق نداشته باشد (به‌ویژه وقتی که کشورهای مقصد تسلط کمی بر فرایند مهاجرت داشته باشند) و حضور مهاجران باری اضافه بر دوش جامعه‌ی میزبان گذارد. همچنین ممکن است مهاجران نتوانند به لحاظ فرهنگی در جامعه‌ی میزبان ادغام شوند (یا اصلاً جامعه‌ی میزبان این فرصت را فراهم نیاورد). افزون بر این، هرچند کارفرمایان در کشورهای مقصد از ورود مهاجران با مهارت‌های متوسط و بالا و دستمزدهای پایین استقبال می‌کنند، اما نیروی کار بومی اغلب به درست یا غلط مهاجران را رقیب می‌داند (که ممکن است موجب ظهور گرایش‌های بیگانه‌هراسانه در حوزه‌ی سیاسی کشورهای مقصد گردد).

هدف از این مقاله بررسی جنبه‌های مهم گرایش قابل توجه اتباع ایرانی به مهاجرت برون‌مرزی در چند دهه‌ی اخیر با تأکید بر مهاجرت نیروی کار ماهر و نیمه‌ماهر، کارآفرینان و صاحبان سرمایه است. طی مقاله داده‌های موجود در باب مهاجرت ایرانیان به خارج از کشور ارائه می‌شود، گمانه‌زنی‌هایی در باب علل مهاجرت انجام می‌گیرد، و به برخی آثار احتمالی مهاجرت اشاره می‌شود. همچنین در مقاله تلاش‌های دولت در زمینه‌ی اتصال مجدد مهاجران به کشور از یک‌سو و تسهیل مهاجرت نیروی کار مازاد به صورت اداره‌شده از سوی دیگر مورد توجه قرار می‌گیرد و در مقام نتیجه‌گیری سلسله‌ای از پیشنهادها عرضه می‌گردد.

## مهاجرت ایرانیان در گذشته‌های دور و نزدیک

شواهدی چند از مهاجرت برونمرزی ایرانیان در دوران پیش از اسلام وجود دارد (بنگرید به بویس<sup>۱</sup> ۲۰۰۵). مهاجرت ایرانیان زردشتی به هندوستان در سده‌های نخستین دوران اسلامی در قصبه سنجان اثر بهمن کیقباد نوسازی ضبط است. این گروه که در سده‌های بعدی نیز از ایران پیوسته عضوگیری کرده (به‌ویژه در دوران صفوی) جماعت موفق و مرفه پارسیان هند را به وجود آورده است. همچنین، پیش از حمله‌ی مغول، تعداد قابل توجهی از دانشمندان، فلاسفه، فقها، دولتمردان، فرماندهان نظامی و موسیقی‌دانان ایرانی به دربار خلفای شام و بغداد و مصر و حتی اندلس جذب شدند. در دوره‌های بعدی نیز تعداد زیادی از دیوانیان، شاعران، هنرمندان، معماران، پیشوایان ملل و نحل و عارفان ایرانی به هند و عثمانی و دیگر سرزمین‌های اسلامی مهاجرت کردند. عتبات عالیات در عراق عرب از دیرباز میزبان مهاجرت برخی از برگزیدگان ایرانی از جمله طلاب و روحانیان بوده است. در اواخر قرن نوزدهم میلادی تعداد نسبتاً زیادی نیروی کار ایرانی جهت کار در صنایع قفقاز به سرزمین‌های تحت اشغال روسیه کوچیدند. برخی از این مهاجران در حلقه‌ی نخبگان و روشنفکران و انقلابیان ورود یافتند و با رجعت به وطن در انقلاب مشروطه نقشی کلیدی ایفا کردند. از اوایل سده‌ی بیستم میلادی، پای مهاجران ایرانی به‌ویژه سرآمدان به اروپا و آمریکا باز شد، اگرچه تعدادشان تا نیمه‌ی قرن همچنان اندک بود. در آخرین سال‌های دوران پهلوی تعدادی از محصلان ایرانی دانشگاه‌های اروپا و آمریکای شمالی پس از فراغت از تحصیل به دلایل مختلف حرفه‌ای، اجتماعی و بعضاً سیاسی به کشور باز نمی‌گشتند. معذالک، بزرگترین موج مهاجرت در ایران در سه دهه‌ی گذشته شکل گرفته است. مخصوصاً به دلیل رخداد‌های سیاسی در اوایل دهه‌ی شصت شمسی و دوران جنگ، تعداد کثیری از متخصصان و صاحبان سرمایه ایران را ترک کردند یا اگر در خارج بودند دیگر به کشور بازنگشتند. به‌رغم تحولات مثبت پس از پایان جنگ، ایران همچنان شاهد مهاجرت شمار قابل توجهی از نیروهای کار ماهر، کارآفرینان و صاحبان سرمایه‌ی خویش است.

## تعداد مهاجران ایرانی

متأسفانه ارقام دقیقی در مورد تعداد مهاجران ایرانی و در آن میان نیروی کار ماهر و نیمه‌ماهر، صاحبان سرمایه و کارآفرینان در دست نیست. به‌ویژه آمارهای موجود از منابع رسمی یا

1. Boyce

نیمه‌رسمی ایران با آمارهای کشورهای مقصد تفاوت فاحش دارند. منابع متعدد اما اغلب بدون پشتوانه شمار مهاجران ایرانی را بین حداقل ۲ میلیون تا نزدیک ۷ میلیون نفر برآورد می‌کنند. همچنین شواهد حاکی از آن است که ایران در سال‌های اخیر در رأس کشورهای قرار گرفته که دچار مشکل فرار مغزها هستند (صندوق بین‌المللی پول<sup>۱</sup> ۱۹۹۸). در هر صورت در این بخش تلاش می‌شود با همین اطلاعات موجود تصویری کلی از مهاجرت ایرانیان فراهم گردد.

جدول ۱ مجموعه‌ای از داده‌های رسمی برخی کشورهای مقصد را در مورد مهاجران ایرانی رسماً پذیرفته شده طی سال‌های اخیر در اختیار می‌گذارد. همانطور که در جدول مشاهده می‌شود، بیشترین تعداد مهاجران رسمی به کشورهای آمریکا، آلمان، کانادا، سوئد و انگلستان مربوط به ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۰ است.

جدول ۱- مهاجران ایرانی در ایالات متحده آمریکا، کانادا، آلمان، انگلیس و سوئد

۱۹۶۱-۲۰۰۵

کشور/دوره	۱۹۶۱-۱۹۷۰	۱۹۷۱-۱۹۸۰	۱۹۸۱-۱۹۹۰	۱۹۹۱-۲۰۰۰	۲۰۰۱-۲۰۰۵
ایالات متحده	۱۰۲۹۱	۴۶۱۵۲	۱۵۴۸۵۷	۱۱۲۵۹۷	۵۵۰۹۸
آلمان	۷۲۹۸	۱۴۱۷۳	۶۲۰۲۲	۲۴۱۳۱	۶۰۲۴*
کانادا	۶۲۰	۳۴۵۵	۲۰۷۰۰	۴۱۳۲۹	۲۵۳۵۰**
سوئد***	۳۸۴	۳۲۴۴	۳۸۱۶۸	۱۶۸۰۴	۶۰۸۴
انگلیس	—	—	—	۱۲۶۶۵	۸۶۴۰

منبع: Shirin Hakimzadeh, "Iran: A Vast Diaspora Abroad and Millions of Refugees," September 2006. (www.migrationinformation.org) from US Department of Homeland Security, Office of Immigration Statistics; Federal Statistical Office of Germany; Sweden Statistics; Statistics Canada; UK Home Office.

### 1. IMF (International Monetary Fund)

\* شامل سال ۱۹۶۱ نیست. \*\* شامل سال ۲۰۰۵ نیست.

\*\*\* در برخی سال‌ها اطلاعات کشور سوئد براساس محل تولد مهاجران بوده درحالی‌که در سال‌های دیگر براساس آخرین تغییر محل اقامت ذکر شده است.

جدول ۲ مشتمل بر آمار مهاجران متولد ایران احصا شده در بانک داده‌های دانشگاه ساسکس در ۱۰ کشور گزیده به لحاظ اهمیت است. همانطور که در جدول مشاهده می‌شود، جمع کل ساکنان این کشورها که متولد ایران هستند حدود ۶۰۰ هزار نفر است. البته این جدول شامل مهاجران ایرانی در کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس، ژاپن، مالزی و دیگر کشورهای مهم به لحاظ مهاجرت ایرانیان نیست و نیز مربوط به چند سال قبل است. اما اگر برای برآورد تعداد کل ایرانیان مقیم خارج عدد ۶۰۰ هزار را چهار برابر هم کنیم (که روا نیست) تنها به رقمی در حدود ۲/۵ میلیون نفر خواهیم رسید.

جدول ۲- مهاجران متولد ایران در ۱۰ کشور مقصد به لحاظ اهمیت

کشور	تعداد
ایالات متحده	۲۹۱۰۴۰
کانادا	۷۵۱۱۵
آلمان	۶۵۷۵۰
سوئد	۵۳۹۸۲
انگلیس	۴۲۴۹۴
هلند	۲۱۴۹۶
استرالیا	۱۸۷۸۹
فرانسه	۱۸۳۷۶
ارمنستان	۱۵۹۹۹

منبع: Shirin Hakimzadeh, "Iran: A Vast Diaspora Abroad and Millions of Refugees," September 2006. (www.migrationinformation.org) from University of Sussex, 2000 Global Migrant Origin Database.

تشکیلات رسمی مربوط به ایرانیان خارج از کشور (در حال حاضر تحت عنوان شورای امور ایرانیان خارج از کشور) در گزارش‌های خود در گذشته ارقام متفاوت و در عین حال بسیار بزرگتری از آمار کشورهای مقصد را در مورد تعداد ایرانیان مقیم خارج ارائه داده‌اند. متأسفانه، منبع و یا توضیح اندکی در مورد روش جمع‌آوری بسیاری از این ارقام داده شده است که سؤالات زیادی را برمی‌انگیزد. یک گزارش به ارقام ۱۵۶۰۰۰۰ در مورد تعداد ایرانیان ساکن در

آمریکا و ۴۲۳۰۰۰۰ در مورد تعداد کل ایرانیان خارج از کشور در سال ۱۳۸۳ یا کمی قبل از آن اشاره می‌کند (شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور ۱۳۸۴). گزارشی دیگر (شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور ۱۳۷۹) ارقامی بین ۱۱۲۰۰۰ و ۱۴۲۰۰۰ را در مورد تعداد ایرانیان ساکن در هفت کشور (روسیه، پرتغال، فنلاند، بلژیک، دانمارک، استرالیا و امارات متحده‌ی عربی) در سال ۱۳۷۶ ذکر می‌کند. طبق این گزارش، چهل و شش درصد از این تعداد مدارک تحصیلی دانشگاهی داشته‌اند (۹ درصد پزشک، ۱۹ درصد مدرک دکترا، ۸ درصد مدرک کارشناسی ارشد، و ۹ درصد مدرک کارشناسی). همچنین گزارشی در باب تعداد ایرانیان مقیم خارج به تفکیک قاره‌ها این ارقام را در سال ۱۳۸۲ ارائه می‌دهد (مرکز امور ایرانیان خارج از کشور ۱۳۸۲): ۱۵۰۰ نفر در آفریقا، ۳۸۷۵۰۰ در آسیا، ۷۲۵۵۰۰ نفر در اروپا، و ۱۳۶۲۰۰۰ نفر در آمریکا. طبق گزارش دیگری (ستاد امور ایرانیان وزارت امور خارجه ۱۳۸۱) تنها ۲۷ درصد ساکنان ایرانی اروپا و آمریکای شمالی در سال ۱۳۸۱ در زمره‌ی متخصصان محسوب می‌شدند. گزارش مجلس در باب موضوع (مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۱) که براساس اطلاعات استخراج‌شده توسط وزارت امور خارجه از ۶۰ سفارتخانه‌ی ایران به دست آمده است تعداد کل ایرانیان مقیم خارج را ۶۲۶۲۹۲۲ اعلام می‌کند. جالب است که جمع ارقام موجود در جدول‌های گزارش تنها ۲۲۸۰۲۰۹ است. همین مستند به گزارشی از قوه‌ی قضائیه آمریکا اشاره می‌کند که در آن برای کل مهاجران رسمی ایرانی طی سال‌های ۱۸۲۰ تا ۲۰۰۰ رقم ۲۴۵۴۰۷ نفر و برای تعداد متخصصان ایرانی مقیم آمریکا در سال ۲۰۰۰ عدد ۴۵۰۰ یا ۳ درصد کل متخصصان خارجی ذکر شده است.

همچنین دفتر حفاظت منافع ایران (۱۳۷۹) در واشنگتن از رقمی نزدیک به یک میلیون نفر به عنوان تعداد ایرانیان ساکن در ایالات متحده در سال ۲۰۰۰ یاد می‌کند. این آمار از ضرب تعداد پرونده‌های ایرانیان مقیم آمریکا (حدود ۲۰۰۰۰۰) در عدد ۴ (که شامل اعضای یک خانواده است) و همچنین در نظر گرفتن ۲۰ درصد اضافی برای کسانی که در آن دفتر ثبت نشده‌اند به دست آمده است. همان منبع، جزئیات زیر را برای این پرونده‌ها ارائه می‌دهد: ۲۳۲۶ نفر (۱/۵ درصد) دارای درجه‌ی دکترا، ۶۹۵۱ نفر (۳/۵ درصد) دارای درجه‌ی کارشناسی ارشد و ۱۴۲۰۰ نفر (۱۴ درصد) با درجه‌ی کارشناسی. گزارش دیگری (شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور ۱۳۷۹) ارقامی مشابه ارائه می‌دهد که از حاصلضرب ۲۰۱۰۰۰ پرونده‌ی موجود در دفتر حفاظت منافع ایران در ۳/۱ (متوسط بعد خانوار) و سپس در ۱/۴ (جهت احتساب افراد ثبت‌نشده در دفتر حفاظت از جمله نسل دوم مهاجران) به دست آمده است. همچنین، براساس ارقام ارائه شده در سال‌های گذشته توسط برخی منابع مطلع دولتی،

می‌توان تعداد کل ساکنان ایرانی کشورهای حوزه‌ی خلیج‌فارس را در حال حاضر حدود ۲۰۰۰۰۰ نفر تخمین زد (۷۰۰۰۰ در کویت، ۵۰۰۰۰ در امارات، و ۱۳۰۰۰ ذکر شده در مصاحبه‌ی نگارنده با مسئولان اشتغال خارج از کشور وزارت کار در سال ۱۳۸۵). هرچند بسیاری از این ایرانیان یا ساکنان قدیمی کشورهای حوزه‌ی خلیج فارسند یا به فعالیت‌های یدی مشغول هستند، اما در هر صورت شواهد زیادی از حضور نیروهای متخصص، صاحبان سرمایه و کارآفرینان ایرانی در امارات متحده‌ی عربی موجود است.

در دهه‌ی هفتاد شمسی تعداد زیادی ایرانی جهت کار به ژاپن مهاجرت کردند. اغلب این مهاجران در فعالیت‌های یدی مشغول به کار شدند و در پی رکود اقتصادی ژاپن و سخت‌گیری‌های آن دول به ایران بازگشتند (براساس مصاحبه‌ی نگارنده با مسئولان اشتغال خارج از کشور وزارت کار در ۱۳۸۵، در آن سال همچنان ۳۵۰۰۰ نفر کارگر ایرانی به‌طور رسمی و ۳۲۰۰ کارگر ایرانی به شکل غیررسمی در ژاپن اقامت داشتند). همچنین در سال‌های اخیر تعدادی کارگر ایرانی در کشور کره مشغول به کار بوده‌اند (۷۵۰ نفر اعزامی از طریق توافق‌های دوجانبه و حدود ۳۰۰۰ نفر کارگر مهاجر به‌طور انفرادی، براساس مصاحبه‌ی نگارنده با مسئولان اشتغال خارج از کشور وزارت کار در ۱۳۸۵). در حالی که مهاجران ایرانی در ژاپن و کره را در کل نمی‌توان در زمره‌ی نیروهای کار ماهر و کارآفرینان به حساب آورد، براساس اطلاعات جسته‌گریخته مهاجران ایرانی کشور مالزی را در سال‌های اخیر اغلب دانشجویان، صاحبان سرمایه و کارآفرینان تشکیل داده‌اند. همچنین، شواهد حاکی از آن است که تعداد قابل ملاحظه‌ای از ایرانیان به دلایل مختلف در ترکیه اقامت دارند. اما به نظر می‌رسد حضور بیشتر اتباع ایرانی در ترکیه موقتی و در پیوند با تحصیل یا مبادلات تجاری میان دو کشور است. وضعیت ایرانیان مقیم جمهوری آذربایجان نیز بی‌شبهت به ترکیه نیست.

همانطور که نشان داده شد، منابع رسمی و نیمه‌رسمی ایران در مقایسه با منابع کشورهای مقصد ارقام بسیار بزرگتری را در مورد تعداد مهاجران ایرانی ذکر می‌کنند. می‌توان در مورد این تفاوت حدس‌هایی زد. نخست اینکه منابع ایرانی آمار مربوط به نسل‌های دوم و سوم مهاجران ایرانی را نیز در ارقام کل می‌گنجانند. دوم اینکه بخش عمده‌ای از اطلاعات منابع رسمی و نیمه‌رسمی ایران حاصل از پرونده‌های تشکیل شده در سفارتخانه‌هاست که طبیعتاً ممکن است ساکنان موقت و مسافران را نیز دربرگیرد. سوم اینکه منابع کشورهای مقصد شمار ایرانیان مقیم را کمتر از میزان واقعی برآورد می‌کنند. این امر محتمل است زیرا اندازه‌گیری تعداد نفوس یک گروه کوچک قومی هدف اصلی سرشماری‌های آن‌ها نیست. البته اختلاف واقعاً نباید این اندازه زیاد باشد.

اما از همه‌ی دلایل محتمل‌تر و مهمتر شاید آن باشد که منابع رسمی و غیررسمی کشور جهت

برجسته ساختن مسئله‌ی مهاجرت ایرانیان تمایل به ارائه‌ی بزرگترین برآوردها دارند. لیکن ارقام اغراق‌آمیز پرده از رویکردهای نهانی برمی‌دارند که خود در وهله‌ی اول موجب مهاجرت ایرانیان متخصص و کارآفرین شده‌اند. وقتی تصور می‌شود هرچه عدد مهاجران بزرگتر باشد موضوع برجسته‌تر است یا مجموع صلاحیت‌های مهاجران برابر است با تعداد مارک دانشگاهی، این بدان معناست که ارزش واقعی افراد صاحب صلاحیت و کارآفرین درک نشده است. بی‌شک برون‌کوچی تنها بخش کوچکی از جمعیت صاحب صلاحیت و فکر واقعی از یک کشور (حتی اگر توسعه‌یافته باشد، چه رسد به در حال توسعه) می‌تواند تأثیر منفی محسوسی بر آن کشور بگذارد. بیشتر کشورهای در حال توسعه واقعاً بیش از چند هزار متخصص و کارآفرین ندارند. این رو‌شایسته است آثار مهاجرت ایرانیان متخصص، کارآفرین و صاحب سرمایه در آمریکا و کانادا (که در بخش بعدی مورد توجه قرار می‌گیرد) بسیار بااهمیت تلقی شود، حتی اگر تعداد مهاجران کمتر از برآوردهای منابع رسمی و نیمه‌رسمی ایران باشد.

### ایرانیان مقیم آمریکا: بیشترین تعداد و دارای بالاترین صلاحیت‌ها

بزرگترین جامعه‌ی ایرانی خارج از کشور ساکن آمریکا است. هرچند آمارهای ارائه‌شده توسط رسانه‌ها و مجاری رسمی و غیررسمی داخلی در باب ایرانیان مقیم آمریکا به نظر اغراق‌آمیز می‌رسند، اما در مورد شایستگی‌های این گروه کمتر تردیدی وجود دارد. صلاحیت‌ها و دست‌آوردهای قابل توجه ایرانیان مقیم آمریکا مرهون مدارج تحصیلی آنان (که اکثراً در خود آمریکا با حمایت‌های مالی ارسالی از ایران کسب شده) و نیز سرمایه‌های مالی و اجتماعی است که آنان از ایران به همراه برده‌اند. همانطور که اشاره شد، بسیاری از دانشجویان ایرانی که قبل از دهه‌ی ۱۹۸۰ در دانشگاه‌های ایالات متحده مشغول به تحصیل بودند به دلیل وضعیت جنگی و مشکلات سیاسی به ایران بازنگشتند. دقیقاً به همین دلیل در دهه‌ی ۱۹۸۰ تعدادی از اتباع ایرانی به ایالات متحده مهاجرت کردند. بسیاری از اعضای گروه اخیر قبلاً برای تکمیل تحصیلات خود در ایالات متحده زندگی کرده بودند. برخی از آنان پیش از مهاجرت دو‌مشان به ایالات متحده، با کار کردن در ایران، تجارب کاری مهمی به دست آورده بودند. همچنین تعداد زیادی از ایرانیان سرمایه‌ی قابل توجهی را در آن دوره به ایالات متحده بردند.

بر پایه‌ی داده‌های سرشماری سال ۲۰۰۰ آمریکا، ایرانیان مقیم که جمعیتی بین ۳۱۹۰۰۰ تا ۳۷۱۰۰۰ (با احتمال  $\pm 10\%$  خطا) نفر را تشکیل می‌دهند در بالاترین سطوح اقتصادی-اجتماعی کشور میزبان قرار دارند. معیارهای میزان دستاورد این گروه درجات تحصیلی، سطح درآمد و اندازه‌ی دارایی آنان است که همه فراتر از میانگین ملی آمریکا است. حدود ۶۰ درصد

ایرانی تباران ۲۵ ساله و بیشتر ساکن آمریکا دارای مدارک دانشگاهی هستند. همچنین درصد ایرانیان دارای مدرک دکترا ۵ برابر میزان مشابه برای کل جامعه است. این ارقام ایرانی تباران را در صدر جامعه‌ی آمریکا قرار می‌دهد. همچنین درآمد سرانه‌ی ایرانی تباران ۵۰ درصد بیش از میانگین کشوری است. متوسط درآمد خانوارهای ایرانی تبار نیز ۳۸ درصد بیش از میزان مشابه در کل جامعه‌ی آمریکاست (درصد خانوارهای ایرانی تباری که درآمدی بیش از ۲۰۰۰۰۰ دلار دارند در مقایسه با کل جامعه ۳ برابر بزرگتر است). ایرانیان به لحاظ دارایی هم در قیاس با میانگین ملی ایالات متحده شرایط بهتری دارند. مثلاً متوسط ارزش مسکن خانوارهای ایرانی تبار در آمریکا ۲۶۸۰۰۰ دلار ذکر شده، در حالی که میانگین این رقم برای کل جامعه ۱۱۹۰۰۰ دلار است. همچنین در حالی که تنها ۳ درصد از جامعه‌ی آمریکا در خانه‌هایی با ارزش نیم میلیون دلار و بیشتر زندگی می‌کنند، تقریباً ۲۱ درصد از ایرانی تباران صاحب خانه‌هایی با ارزش بیش از نیم میلیون دلار هستند. علاوه بر این، ایرانی تباران در تأسیس و اداره‌ی شماری از ۵۰۰ شرکت برتر آمریکا نقش داشته‌اند و حضور آنان در میان جامعه‌ی دانشگاهیان و محققان آن کشور بسیار پررنگ است (اداره‌ی آمار ایالات متحده<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰، گروه مطالعات ایران ام.آی.تی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴). جدول ۳ مشتمل بر تعداد ایرانیانی است که طی سال‌های ۱۹۸۹-۲۰۰۴ وارد ایالات متحده شده‌اند. ارقام جدول نشانگر آن هستند که تعداد مهاجران ایرانی در سال‌های اخیر با کاهش همراه بوده است. این کاهش احتمالاً ربطی به کم شدن انگیزه برای مهاجرت به آمریکا ندارد، بلکه در پیوند با موانع مهاجرت به آمریکا (یا تحصیل در آن کشور که می‌تواند متعاقباً به مهاجرت تبدیل شود) برای ایرانیان است.

جداول ۴ و ۵ به ترتیب اطلاعاتی در مورد ویژگی‌های ایرانیان پذیرفته شده به عنوان مهاجر و به عنوان شهروند آمریکا ارائه می‌دهند. این دو جدول نشان می‌دهند که تعداد زیادی از ایرانیان در گروه‌های «اجزایی و مدیریتی» یا «حرفه‌ای و فنی» در صفوف کسانی که به عنوان مهاجر یا شهروند در آمریکا پذیرفته شده‌اند قرار داشته‌اند. در واقع، این دوره‌ی شغلی در مقایسه با دیگر مشاغل برجسته‌تر هستند. اکثر مهاجران ایرانی مهاجر در سال ۲۰۰۴ از طریق پیوندهای خانوادگی یا به عنوان پناهنده در ایالات متحده پذیرفته شده‌اند. این امر نشانگر آن است که علی‌رغم شایستگی‌های زیاد ایرانیان مهاجر به آمریکا، پذیرفته شدنشان در کشور مقصد از طریق احراز شغل نیست و احتمالاً این گروه در مقایسه با دیگر گروه‌های قومی با مشکلات بیشتری در این زمینه مواجه است.

1. US Census Bureau

2. MIT Iranian Research Group

جدول ۳- مهاجران ایرانی پذیرفته‌شده در آمریکا طی سال‌های ۱۹۸۹-۲۰۰۴

سال	همه‌ی کشورها	ایران
۱۹۸۹	۱۰۹۰۹۲۴	۲۱۲۴۳
۱۹۹۰	۱۵۳۶۴۸۳	۲۴۹۷۷
۱۹۹۱	۱۸۲۷۱۶۷	۱۹۵۶۹
۱۹۹۲	۹۷۳۹۷۵	۱۳۲۳۳
۱۹۹۳	۹۰۴۲۹۲	۱۴۸۴۱
۱۹۹۴	۸۰۴۴۱۶	۱۱۴۲۲
۱۹۹۵	۷۲۰۴۵۹	۹۲۰۱
۱۹۹۶	۹۱۵۹۰۰	۱۱۰۸۴
۱۹۹۷	۷۹۸۳۷۸	۹۶۴۲
۱۹۹۸	۶۵۴۴۵۱	۷۸۸۳
۱۹۹۹	۶۴۶۵۶۸	۷۲۰۴
۲۰۰۰	۸۴۹۸۰۷	۸۵۱۹
۲۰۰۱	۱۰۶۴۳۱۸	۱۰۴۹۷
۲۰۰۲	۱۰۶۳۷۳۲	۱۳۰۲۹
۲۰۰۳	۷۰۵۸۲۷	۷۲۵۱
۲۰۰۴	۹۴۶۱۴۲	۱۰۴۳۴

<http://uscis.gov/graphics/shared/statistics/data/DSNat03c.htm>

منبع:

Web site of US Department of Homeland Security

جداول ۴ و ۵ به ترتیب اطلاعاتی در مورد ویژگی‌های ایرانیان پذیرفته‌شده به عنوان مهاجر و به عنوان شهروند آمریکا ارائه می‌دهند. این دو جدول نشان می‌دهند که تعداد زیادی از ایرانیان در گروه‌های «اجرایی و مدیریتی» یا «حرفه‌ای و فنی» در صفوف کسانی که به عنوان مهاجر یا شهروند در آمریکا پذیرفته شده‌اند قرار داشته‌اند. در واقع، این دو رده‌ی شغلی در مقایسه با دیگر مشاغل برجسته‌تر هستند. اکثر مهاجران ایرانی مهاجر در سال ۲۰۰۴ از طریق پیوندهای خانوادگی یا به عنوان پناهنده در ایالات متحده پذیرفته شده‌اند. این امر نشانگر آن است که علی‌رغم شایستگی‌های زیاد ایرانیان مهاجر به آمریکا، پذیرفته شدنشان در کشور مقصد از طریق احراز شغل نیست و احتمالاً این‌گونه در مقایسه با دیگر گروه‌های قومی با مشکلات بیشتری در این زمینه مواجه است.

جدول ۴- ویژگی‌های مهاجران ایرانی به ایالات متحده در سال ۲۰۰۴

نامشخص	زن	مرد	کل	ویژگی‌ها
۱۰	۵۴۷۴	۴۹۵۰	۱۰۴۳۴	کل شغل
—	۹۴	۲۹۸	۳۹۲	اجرایی و مدیریتی
۱	۲۹۲	۵۷۰	۸۶۳	فنی و حرفه‌ای
—	۱۸۵	۲۶۷	۴۵۲	فروش
—	۶۶	۳۶	۱۰۲	پشتیبانی اداری
۱	۳۸	۲۱۸	۲۵۷	اپراتورها، کارگران
۲	۲۹	۲۰۷	۲۳۸	تولیدات دقیق، حرف، تعمیرات
—	۱۷۷	۲۰۴	۳۸۱	سرویس
۱	۳۱۶۶	۱۷۹۲	۴۹۵۹	بیکار
۵	۱۴۲۷	۱۳۴۵	۲۷۷۲	نامشخص
—	۱۰۱۶	۱۰۴۶	۲۰۶۲	نحوه پذیرفته شدن
—	۳۲۴	۴۲۱	۷۴۵	الویتهای خانواده‌ای
—	۲۰۸۵	۱۱۹۰	۳۲۷۵	الویتهای استخدامی
—	۱۷۶	۱۷۳	۳۴۹	بستگان درجه اول از شهروندان ایالات متحده
—	۱۷۶	۱۷۳	۳۴۹	برنامه‌های متنوع
۱۰	۱۸۶۰	۲۰۹۶	۳۹۶۶	پناهندگی / پناهجویی
—	۱۳	۲۴	۳۷	دیگر

<http://uscis.gov/graphics/shared/statistics/data/DSNat03c.htm>

منبع:

Web site of US Department of Homeland Security

جدول ۵- مشاغل ایرانیان پذیرفته‌شده به عنوان شهروند در ایالات متحده در سال ۲۰۰۴

نامشخص	زن	مرد	کل	
۳۲	۶۵۱۳	۵۲۳۶	۱۱۷۸۱	کل
—	۱۷۶	۳۶۱	۵۳۷	اجرایی و مدیریتی
—	۳۷۸	۵۳۷	۹۱۵	فنی و حرفه‌ای
—	۲۴۸	۲۵۷	۵۰۵	فروش
—	۱۲۴	۵۰	۱۷۴	پشتیبانی اداری
—	—	—	—	کشاورزی، جنگلداری، ماهیگیری
—	۳۱	۱۲۳	۱۵۴	اپراتورها، کارگران
—	۱۲	۹۸	۱۱۰	تولیدات دقیق، حرف، تعمیرات
—	۱۸۲	۱۰۱	۲۸۳	خدمات
—	۳	۹	۱۲	نظامی
—	۱۸۱۵	۹۴۴	۲۷۵۹	بدون شغل
۳۲	۳۵۴۴	۲۷۵۶	۶۳۰۰	نامشخص

<http://uscis.gov/graphics/shared/statistics/data/DSNat03c.htm>

منبع:

Web site of US Department of Homeland Security

به‌رغم حضور کمی و کیفی پررنگ ایرانیان در ایالات متحده، دو کشور از سال‌های اولیه‌ی انقلاب ایران در تقابل با یکدیگر بوده‌اند. اگرچه روابط خصمانه‌ی میان دو کشور منجر به دشمنی بین دو ملت نشده است، اما تصویری که از ایران در رسانه‌های ایالات متحده ارائه می‌گردد اغلب مثبت نیست. هرچند که این امر موجبات ناراحتی مهاجران ایرانی را در کشور میزبان فراهم آورده است، ولی از آنجا که این گروه بسیار موفق بوده آثار این مشکلات مشهود نیست. همچنین به دلیل تحریم‌ها ایرانیان مقیم آمریکا نه می‌توانند در ایران سرمایه‌گذاری کنند و نه امکان فرستادن پول به ایران را از طرق رسمی دارند، این بدان معناست که تعداد زیادی از ایرانیان مقیم آمریکا که اغلب با خانواده‌های هسته‌ای و گسترده‌شان در آن کشور زندگی می‌کنند کم‌کم رابطه‌ی خود را با ایران از دست می‌دهند. در واقع شواهد حاکی از آن است که بسیاری از خانواده‌های ایرانی تبار مقیم آمریکا دیگر در جامعه‌ی آن کشور ادغام شده‌اند (انصاری<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴).

1. Ansari

### ایرانیان در کانادا: افزایش روند مهاجرت

طی چند سال گذشته، کانادا به مقصدی مطلوب برای مهاجران ایرانی تبدیل شده است. مهاجرت ایرانیان به کانادا اکثراً از طریق اقیانوس سلسله‌ای از پیشنهادها بر مبنای میزان تخصص یا سرمایه میسر شده است. در نتیجه هرچند برخی از ایرانیان جذب شده به بازار کار کانادا در فعالیت‌های رده‌ی پایین اقتصادی مشغول به کار هستند، در کل، کشور کانادا موفق به جذب نیروهای تخصصی، صاحبان سرمایه و کارآفرینان ایرانی شده است. جداول ۶ و ۷ اطلاعاتی در مورد روند مهاجرت ایرانیان به کانادا در دوره‌ی زمانی ۲۰۰۴-۱۹۹۵ ارائه می‌کنند. این جداول نشان می‌دهند که طی سال‌های ذکر شده آهنگ مهاجرت ایرانیان به کانادا در مقایسه با مهاجرت اتباع دیگر کشورها به کانادا یا افزایش یافته یا به قوت خود باقی مانده است. برای مثال در سال ۲۰۰۴ تعداد کل مهاجران ایرانی به کانادا بیش از ۶۰۰۰ نفر بوده و ایران در میان ۶ کشور نخست مهاجرفرست به کانادا قرار داشته است. لازم به تذکر است که جدول ۶ شامل دانشجویان ایرانی مشغول به تحصیل در کانادا نیست. محتمل است بسیاری از آنان پس از فراغت از تحصیل به ایران بازنگردند و در آینده به جمعیت مهاجر ایرانی در کانادا بپیوندند. اطلاعاتی در مورد پول ارسال شده به ایران توسط ایرانیان ساکن کانادا در دست نیست. به هر حال با توجه به اینکه مهاجران ایرانیان به کانادا اغلب خانوادگی است و میزان کل پول ارسال شده به ایران از منابع مختلف (به بخش بعدی مراجعه شود) هم اندک است، این مبلغ نمی‌تواند قابل توجه باشد. همچنین مبادلات تجاری میان ایران و کانادا در سال‌های اخیر پیوسته دچار مشکلاتی بوده است. در نتیجه نمی‌توان تصور کرد که ایرانیان مقیم کانادا امکان اثرگذاری زیادی را به لحاظ مالی بر ایران داشته باشد.

جدول ۶- تعداد مهاجران پذیرفته شده در کانادا از کشورهای مختلف طی سال‌های ۲۰۰۴-۱۹۹۵

کشور / سال	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴
چین	۱۳۳۰۹	۱۷۵۳۳	۱۸۶۲۶	۱۹۷۸۹	۲۹۱۳۸	۳۶۷۴۶	۴۰۳۶۳	۳۳۲۹۴	۳۶۲۳۶	۳۶۴۱۱
هند	۱۶۲۶۱	۲۱۲۹۱	۱۹۶۱۵	۱۵۳۷۶	۱۷۴۵۲	۲۶۱۲۶	۲۷۹۰۶	۲۸۸۳۸	۲۴۵۸۹	۲۵۵۶۹
فیلیپین	۱۵۱۶۰	۱۳۱۵۹	۱۰۸۲۷	۸۱۸۵	۹۲۰۲	۱۰۱۱۹	۱۷۹۲۷	۱۱۰۱۱	۱۱۹۸۶	۱۳۳۰۱
پاکستان	۴۰۰۲	۷۷۶۱	۱۱۲۳۹	۸۰۹۱	۹۲۰۳	۱۴۱۹۹	۱۵۳۵۳	۱۴۱۶۹	۱۲۵۵۱	۱۲۷۹۶
ایالات متحده	۵۱۹۵	۵۸۵۰	۵۰۳۰	۴۷۷۶	۵۵۳۲	۵۸۲۷	۵۹۱۱	۵۲۹۳	۵۹۹۲	۷۴۹۴
ایران	۳۶۹۲	۵۸۳۳	۷۴۸۶	۶۷۷۵	۵۹۰۹	۵۶۱۷	۵۷۵۶	۷۸۸۹	۵۶۵۲	۶۰۶۳
انگلیس	۶۱۷۰	۵۵۹۳	۴۰۵۷	۳۸۹۹	۴۴۷۹	۴۶۴۹	۵۳۵۸	۴۷۲۴	۵۱۹۶	۶۰۵۸

ادامه جدول در صفحه بعد

ادامه جدول صفحه قبل

۵۶۵۵	۵۴۶۵	۵۶۸۸	۵۵۸۸	۴۴۳۱	۳۴۶۷	۲۹۷۶	۳۹۱۶	۳۶۷۰	۳۸۵۱	رومانی
۵۳۳۷	۷۰۸۸	۷۳۳۴	۹۶۰۸	۷۶۳۸	۷۲۱۶	۴۹۱۷	۴۰۰۱	۳۱۵۷	۳۴۶۷	کره جنوبی
۵۰۲۶	۴۱۲۷	۳۹۶۲	۴۴۲۴	۴۳۴۵	۳۹۱۹	۳۸۶۷	۲۸۵۸	۳۳۶۳	۳۸۹۴	فرانسه
۴۱۳۴	۴۴۴۸	۴۹۶۶	۵۵۱۹	۵۸۴۹	۴۷۲۶	۳۳۲۹	۵۰۷۱	۶۱۵۹	۸۹۳۸	سريلانكا
۳۶۸۳	۳۵۲۰	۳۶۷۷	۴۰۷۴	۳۵۲۳	۳۷۸۱	۴۳۰۴	۳۷۳۵	۲۴۶۴	۱۷۲۰	روسیه
۱۹۹۲	۲۱۲۴	۲۹۱۰	۳۱۱۴	۳۵۳۴	۵۴۸۱	۷۱۹۳	۱۳۳۲۴	۱۳۲۲۵	۷۶۹۰	تایوان
۱۵۴۴	۱۴۶۹	۱۵۴۱	۱۹۶۵	۲۸۶۵	۳۶۷۰	۸۰۸۷	۲۲۲۵۰	۲۹۹۸۸	۳۱۷۶۹	هنگ‌کنگ
۷۰۸	۹۴۱	۱۶۲۳	۲۸۰۴	۴۷۴۷	۱۴۹۲	۱۱۷۲	۱۳۸۴	۱۸۳۱	۲۹۸۷	یوگسلاوی
۱۸۱	۲۶۵	۴۶۸	۸۷۱	۹۸۷	۲۸۰۹	۳۶۸۹	۳۸۳۴	۵۱۲۱	۶۲۹۵	بوسنی

Citizenship and Immigration Canada. "Facts and Figures: Immigration Overview. Permanent Temporary Residents." 2005

جدول ۷- رتبه‌ی کشورهای مختلف براساس تعداد مهاجران پذیرفته شده در طی سال‌های ۲۰۰۴-۱۹۹۵

کشور / سال	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴
چین	۴	۳	۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
هند	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
فیلیپین	۳	۵	۶	۳	۴	۴	۴	۴	۴	۳
پاکستان	۱۰	۶	۶	۴	۳	۳	۳	۳	۳	۴
ایالات متحده	۹	۸	۹	۹	۷	۸	۶	۸	۶	۵
ایران	۱۵	۹	۷	۷	۶	۷	۷	۵	۷	۶
انگلیس	۸	۱۰	۱۰	۱۱	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۹	۷
رومانی	۱۴	۱۲	۱۲	۱۵	۱۴	۱۱	۸	۷	۸	۸
کره جنوبی	۱۷	۱۵	۱۱	۸	۵	۵	۵	۶	۵	۹
فرانسه	۱۲	۱۳	۱۷	۱۲	۱۱	۱۲	۱۲	۱۳	۱۲	۱۰
سريلانكا	۶	۷	۸	۱۴	۹	۶	۹	۹	۱۰	۱۳
روسیه	۳۱	۲۱	۱۴	۱۰	۱۲	۱۴	۱۳	۱۴	۱۳	۱۴
تایوان	۶	۴	۴	۶	۸	۱۳	۱۹	۱۹	۲۱	۲۷

ادامه جدول در صفحه بعد

۳۳	۳۲	۳۲	۲۹	۱۷	۱۳	۵	۱	۱	۱	هنگ‌کنگ
۵۹	۳۱	۳۱	۲۲	۹	۲۹	۱۰	۳۵	۳۱	۱۸	یوگسلاوی
۱۰۹	۷۱	۷۱	۵۲	۴۹	۱۷	۱۳	۱۳	۱۱	۷	بوسنی

Citizenship and Immigration Canada. "Facts and Figures: Immigration Overview. Permanent and Temporary Residents." 2005 منبع:

Temporay Residents." 2005

### علل مهاجرت نیروی کار متخصص و کارآفرینان ایرانی

بی‌شک عوامل متعددی در میزان بالای مهاجرت نیروی کار متخصص و کارآفرینان ایرانی به خارج از کشور دخیل هستند. جهت به دست دادن دلایل مهاجرت ایرانیان به صورت قاطعانه نیاز به نمونه‌گیری وسیعی از مهاجران و نیز افرادی است که تمایل به مهاجرت دارند. این امر از عهده‌ی این مقاله خارج است. به جای آن در این بخش کوشش می‌شود با ارائه‌ی آراء مقامات رسمی ایران و برخی شواهد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی گمانه‌زنی‌هایی در مورد این دلایل انجام شود.

### دیدگاه‌های مقامات ایرانی

مسئولان دولتی دلایل متعددی را برای مهاجرت نیروی کار مجرب ایران ذکر کرده‌اند. به عنوان نمونه، مصطفی معین، وزیر سابق علوم، علل اصلی مهاجرت را به چهار دسته تقسیم کرده است (روزنامه‌ی ایران ۱۳۸۱، به نقل از استعدادهای درخشان ۱۳۸۱): اجتماعی، سیاسی، علمی و فرهنگی، اقتصادی و معیشتی. بلا تکلیفی و تردید نسبت به آینده، تشویق از سوی خانواده و دوستان، احساس محدودیت به لحاظ اجتماعی و فرهنگی، ناکارایی مدیریت بخش عمومی، کم‌توجهی به شایسته‌سالاری در استخدام و دیوانسالاری از علل اجتماعی ذکر شده هستند. همچنین طبق نظر وی، وجود حس ناامنی در حوزه‌ی سیاست و اندیشه در میان متخصصان، بی‌ثباتی در امور مدیریت سیاسی کشور، و بحران‌ها و تغییرات مکرر در قوانین و مقررات از علل سیاسی هستند که به مهاجرت نیروی کار مجرب دامن می‌زنند. عوامل فرهنگی علمی ذکر شده عبارتند از ضعف مدیریت علمی و اجتماعی در بخش‌های مختلف، کمبود امکانات تحقیق، و ارزش ناچیزی که از سوی مسئولان و برنامه‌ریزان به جایگاه علمی پژوهشگران و مؤسسات

علمی داده می‌شود. در حوزه‌ی اقتصادی و معیشت، معین به عواملی چون سطح پایین درآمد، حس نابرابری اقتصادی، فقدان ارتباط بین درآمد و صلاحیت، بیکاری قشر متخصص و تحصیلکرده و نبود فرصت‌های شغلی مناسب برای این گروه، و سطح پایین امنیت شغلی اشاره کرده است.

برخی منابع رسمی یا نیمه‌رسمی دیگر دلایل مشابهی را برمی‌شمارند. مثلاً در یکی از گزارش‌های سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۷۹) مجموعه‌ای از علل مهاجرت نخبگان ایران به نقل از همایش وزارت بهداشت ذکر شده است. اهم عوامل فرهنگی ذکر شده شامل سطح پایین رضایت شغلی و عدم دسترسی به منابع علمی در مقایسه با کشورهای پیشرفته‌اند. عوامل اجتماعی اصلی یادشده عبارتند از کمبود اطلاعات در مورد فرصت‌های شغلی و معیارهای چنگدانه در استخدام. فقدان چارچوب مناسب جهت ارتقای مهارت و دانش فردی، کمی فرصت‌های حرفه‌ای، فقدان پایگاه‌های اطلاعات شغلی جهت فارغ‌التحصیلان، عدم تطابق میان توانایی‌های نیروی کار آموزش‌دیده و نیازهای پژوهشی کشور، و فقدان استقلال و آزادی در کار پژوهشگر از عوامل علمی به‌شمار رفته‌اند. عوامل سیاسی ارائه شده شامل سطح پایین آزادی‌ها و تغییرات سریع در قوانین و مقررات در مقایسه با کشورهای پیشرفته هستند. در حوزه‌ی اقتصاد، سطوح پایین و نابرابر درآمد، سرمایه‌گذاری محدود در زمینه‌ی تحقیق و فقدان امکانات لازم، و توزیع جغرافیایی نابرابر امکانات برشمرده شده‌اند. سیاسی شدن دانشگاه‌ها، فساد در بخش علوم و آموزش عالی از جمله خویشاوندپروری، عدم تطابق بین رشته‌های دانشگاهی و نیازهای بازار کار، کاهش منزلت ایرانیان در سطح بین‌المللی، و عرضه‌ی کم آموزش عالی در مقایسه با تعداد متقاضیان نیز به عنوان عوامل دیگر ذکر شده‌اند.

همچنین کمیته‌ی بررسی علل مهاجرت نخبگان و راهکارهای جذب آنان تحت نظر مجلس شورای اسلامی در گزارش خود این نتایج را در مورد علل مهاجرت متخصصان و کارآفرینان ایرانی به خارج از کشور اعلام کرده است (مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۱): عوامل اجتماعی در پیوند با منزلت شغلی (سطح پایین منزلت فعالیت‌های دانشگاهی)، جمعیت (میزان بالای رشد جمعیت و ساختار سنی جوان)، رفاه (شکاف بین وضعیت موجود در کشور و کشورهای پیشرفته)، و نحوه‌ی استخدام (سطح پایین استفاده از مهارت‌های تخصصی و عدم شفافیت در نحوه‌ی استخدام در دانشگاه‌ها) ذکر شده‌اند. عوامل علمی یادشده عبارتند از نارسایی‌های آموزشی (نظام آموزشی قدیمی و ناکارآمد و دیوانسالاری دست‌وپاگیر است) و مشکلات پژوهشی (محیط نامناسب برای تحقیق و سطح پایین انگیزه‌های پژوهشی و شکاف بزرگ کیفی و کمی بین امکانات موجود در ایران و کشورهای پیشرفته). عوامل سیاسی در پیوند با مسایل

امنیتی و ابهامات موجود در سیاست و دیوانسالاری (در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها توجه چندانی به جایگاه علم و محقق نمی‌شود) یاد شده‌اند. مشکلات درآمدی (نظام مالیاتی نامناسب و شکاف بزرگ درآمدی میان مشاغل سودآور بخش خصوصی و مشاغلی که متخصصان به آن‌ها مشغول هستند)، و مشکلات توسعه‌ی سرمایه‌گذاری (پایین بودن میزان توجه به توسعه‌ی تجارت خارجی، ناامنی اقتصادی و سرمایه‌گذاری و پایین بودن کیفیت کار) در زمره‌ی عوامل اقتصادی ذکر شده‌اند.

گزارشی دیگر که به سفارش دفتر ریاست جمهوری و براساس یافته‌های برخی مستندات دولتی تهیه شده در بررسی مشکلات جوانان تحصیل کرده (استعدادهای درخشان) از عوامل زیر به عنوان دلایل تمایل گروه اخیر به مهاجرت یاد می‌کند (دفتر ریاست جمهوری ۱۳۸۳): یأس اجتماعی، فرهنگی و سیاسی؛ مشکلات ورود به دانشگاه، مشکلات ترک کشور، مشکلات رفاهی، کاستی‌های استادان دانشگاهی، مشکلات اشتغال و فرصت‌های کم تحقیقاتی.

#### عوامل اقتصادی: سطح بالای بیکاران افراد تحصیل‌کرده به‌رغم رشد

منطقاً باید رشد اقتصادی باعث بالا رفتن میزان اشتغال و کاهش مهاجرت شود. آنچه برای ما در اینجا اهمیت دارد آن است که در اقتصاد ایران سطح اشتغال نیروی کار مجرب به چه شکل متأثر از میزان رشد اقتصادی است. با توجه به رونق در بخش نفتی کشور، رشد تولید ناخالص داخلی در سال‌های اخیر قابل توجه و طبق جدول ۸ به‌طور متوسط ۴/۸۵ درصد در سال در فاصله‌ی زمانی ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳ بوده است. اما در همین دوره میزان بیکاری نیروی کار با تحصیلات عالی از ۴/۴ درصد به حدود ۲۰ درصد افزایش یافته است (یعنی رشد متوسط سالانه‌ی حدود ۳۰ درصد). در مقابل، احتمال بیکاری بی‌سوادان کاهش یافته است. این ارقام نشانگر تمایل اقتصاد ایران به استخدام بی‌سوادان در مقایسه با فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها نیست. کاهش بیکاری بی‌سوادان و افزایش بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها از یک سو نتیجه‌ی کاهش بی‌سوادی و افزایش تعداد دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها (بنگرید به جدول ۹ که نشانگر رشد تعداد دانشجویان است) و از سوی دیگر ناتوانی اقتصاد ایران در ایجاد فرصت‌های شغلی کافی برای افراد تحصیل‌کرده است. همچنین ارتباط کمی میان برنامه‌های نظام آموزش عالی کشور و نیازهای بازار کار وجود دارد. از این‌رو احتمالاً افراد تحصیل‌کرده با مهارت‌های تراز متوسط یا با مهارت‌هایی که مورد تقاضای بازار کار نیست در یافتن شغل با مشکل مواجهند نه افراد تحصیل‌کرده با مهارت‌های تراز بالا و مورد نیاز بازار کار.

جدول ۸- تحولات رشد تولید ناخالص داخلی و درصد بیکاران بی‌سواد و با تحصیلات عالی

سال	درصد بیکاران دارای تحصیلات عالی	تغییرات نسبت به سال گذشته	درصد بیکاران بی‌سواد	تغییرات نسبت به سال گذشته	رشد تولید ناخالص داخلی
۱۳۷۶	۴/۴	—	۱۳/۵	—	۲/۸
۱۳۷۷	۴/۹	۱۱۳/۹	۷/۶	—۴۳/۸	۲/۹
۱۳۷۸	۹/۷	۱۵/۵	۷/۵	—۱/۲	۱/۶
۱۳۷۹	۱۲/۵	۵۸/۲	۵/۹	—۲۰/۹	۵/۰
۱۳۸۰	۱۰/۵	—۱۶/۱	۹/۴	۵۹/۲	۶/۵
۱۳۸۱	۱۱/۷	۱۱/۴	۱۰/۵	۱۱/۵	۷/۵
۱۳۸۲	۱۵/۲	۳۰/۴	۳/۷۵	—۶۴/۳	۶/۷
۱۳۸۳	۱۹/۹	۳۰/۷	۳/۱۵	—۱۶/۰	۵/۸
میانگین		۳۰/۴		—۱۰/۸	۴/۹

منبع: مرکز آمار ایران و بانک مرکزی.

جدول ۹- تعداد دانشجویان دانشگاه‌های دولتی در سال‌های اخیر

آغاز سال تحصیلی	مردان	زنان	کل
۱۳۷۸	۸۴۳۸۶	۷۸۸۹۸	۱۶۳۲۸۴
۱۳۷۹	۸۷۸۳۶	۸۹۸۰۲	۱۷۷۶۶۵
۱۳۸۰	۹۸۵۸۹	۱۰۶۴۳۷	۲۰۵۰۲۶
۱۳۸۱	۱۰۴۱۰۹	۱۱۶۹۲۷	۲۲۱۰۳۶
۱۳۸۲	۱۲۰۳۹۹	۱۴۱۰۰۲	۲۶۱۴۰۱

منبع: مؤسسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، آمار آموزش عالی، تهران، مؤسسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳.

بخش کنونی مقاله را با ذکر این نکته پایان می‌دهد که نظر به ترکیب جمعیتی جوان ایران وجود مازاد نیروی کار با مهارت‌های تراز متوسط در کشور اجتناب‌ناپذیر است. در نتیجه مهاجرت برخی از این افراد، در صورتی که کار مناسبی در خارج از کشور بیابند، پول به کشور بفرستند و یا پس از ارتقای مهارت‌هایشان به کشور بازگردند، می‌تواند بسیار مطلوب باشد. اما طبق گمانه‌زنی‌های بخش‌های پیشین احتمالاً این مازاد نیروی کار در مقایسه با نیروی کار متخصص یا کارآفرینان و صاحبان سرمایه کمتر امکان مهاجرت می‌یابد. در این خصوص، در یکی از بخش‌های بعدی در باب مشکلات مهاجرت نیروی کار ایرانی با مهارت‌های تراز متوسط یعنی مازاد نیروی کار بحث می‌شود.

### عوامل فرهنگی و اجتماعی

پوشیده نیست که ساختار فعلی ایران گونه‌ی خاصی از فرهنگ و فضای اجتماعی را تشویق و بسیاری از مظاهر فرهنگی و اجتماعی رایج در کشورهای دیگر یا در گذشته‌ی خود ایران را (که ممکن است بسیاری از ایرانیان به آن‌ها رغبت داشته باشند و در خفا بروز دهند) محدود می‌کند. دیدگاه‌های رسمی و نیمه رسمی یادشده در باب علل مهاجرت بیانگر برخی از عوامل فرهنگی و اجتماعی برون‌کوچی نیروی کار ماهر، کارآفرینان و صاحبان سرمایه از ایران هستند. قصد نگارنده در اینجا افزودن به این فهرست یا توصیف آثار ساختار فرهنگی و اجتماعی کنونی ایران نیست؛ بلکه تنها به نشان دادن رابطه میان تفاوت فرهنگی و میل به مهاجرت بسنده می‌کند. این رابطه را می‌توان از طریق بررسی میزان مهاجرت پیروان اقلیت‌های دینی که بنا به تعریف دارای تمایلات فرهنگی متفاوتی هستند سنجید. اطلاعات به‌دست‌آمده از سرشماری‌های ایران نشانگر کاهش شدید تعداد پیروان اقلیت‌های دینی در کشور است. طبق داده‌های سرشماری، طی دوره‌ی ده‌ساله‌ی ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵، تعداد زرتشتیان از ۳۲۵۸۹ نفر به ۲۷۹۲۰ نفر، تعداد مسیحیان از ۹۷۵۵۷ نفر به ۷۸۷۴۵ نفر، و تعداد یهودیان از ۲۶۵۳۴ نفر به ۱۲۷۳۷ نفر کاهش یافته است. جمعیت مسلمانان کشور طی این دوره از ۴۹۱۹۸۲۲۸ نفر به ۵۹۷۸۸۷۹۱ نفر افزایش یافته است (البته نباید انتظار داشت نرخ زاد و ولد اقلیت‌های دینی برابر میانگین کل کشور باشد). همچنین شاهدی وجود ندارد که تغییر دین موجب کاهش تعداد پیروان اقلیت‌های دینی شده باشد. در نتیجه علت اصلی کاهش تعداد پیروان اقلیت‌های دینی عبارت است از مهاجرت، پدیده‌ای که در میان این گروه بسیار برجسته شده است. از آنجا که قانون اساسی جمهوری اسلامی حقوق اقلیت‌های دینی را تضمین می‌کند، باید عوامل فرهنگی و اجتماعی ناسازگار با تمایلات این گروه را در شکل‌گیری این پدیده دخیل دانست؛ عواملی که بی‌شک می‌تواند بر دیگر گروه‌های دارای تمایلات فرهنگی و اجتماعی متفاوت نیز اثر گذارد.

## عوامل سیاسی

درک کامل تأثیر عوامل سیاسی بر مهاجرت اتباع ایرانی به سهولت امکان‌پذیر نیست. اما از طریق بررسی آمار پناهجویان ایرانی در سال‌های اخیر از منبع کمیساریای عالی پناهندگان می‌توان حدس زد که عوامل سیاسی بر مهاجرت تأثیرگذار هستند. به عنوان نمونه، طبق داده‌های رسمی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد (۲۰۰۳، ۲۰۰۴) تعداد ایرانیان متقاضی پناهندگی در کشورهای صنعتی بین سه ماهه‌ی اول سال ۲۰۰۳ و سه ماهه‌ی سوم سال ۲۰۰۴ بالغ بر ۱۹۲۴۰ بوده است. در پایان این دوره، رتبه‌ی ایران در زمینه‌ی تعداد متقاضیان پناهندگی از ۱۳ ایرانی در کشورهای دیگر است. البته بسیاری از این افراد ممکن است در واقع پناهجوی اقتصادی و اجتماعی باشند نه سیاسی. با این حال، وجود چنین جمعیت بزرگی نشانگر تأثیر عوامل سیاسی بر مهاجرت است. هرچند آماری در مورد تحصیلات و میزان صلاحیت حرفه‌ای پناهجویان ایرانی در دست نیست، اما نمی‌توان تصور کرد نسبت افراد صاحب صلاحیت در میان این گروه ناچیز باشد.

## آثار مهاجرت

از آنجا که اطلاعات کافی در مورد مهاجران ایرانی یا متقاضیان مهاجرت از ایران در دست نیست، تنها می‌توان در مورد آثار مهاجرت نیروی کار ماهر و صاحب صلاحیت ایرانی حدس‌هایی زد. مهمترین اثر منفی مهاجرت نیروی کار ماهر، کارآفرینان و صاحبان سرمایه بهره‌نبردن کشور از وجود آنان است. در مقابل، منافع حاصل از سرمایه‌گذاری‌های کشور جهت تحصیل و تربیت این افراد (چه در داخل و چه در خارج کشور) عاید دیگر کشورها می‌شود. براساس همین منطق بسیاری از تحلیلگران ایرانی بر این باور هستند که مهاجرت افراد تحصیلکرده و صاحب صلاحیت ایرانی موجب خسران اقتصادی جدی است. مطبوعات ایران نیز اغلب اظهار نظرها و نقل قول‌های جانبی را مبنی بر ده‌ها میلیارد دلار خسارت از بابت برون‌کوچی ایرانیان، مهاجرت درصد بزرگی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های کشور یا رجعت تعداد کمی از دانشجویان بورس‌شده در خارج درج می‌کنند (مثلاً بنگرید به نوروز ۱۳۸۰، حیات نو اقتصادی ۱۳۷۹، ایران ۱۳۸۱، همشهری ۱۳۸۳).

اما، همانطور که پیش از این ذکر شد، اقتصاد ایران در حال حاضر قابلیت جذب همه‌ی تحصیلکرده‌گان کشور را ندارد. پس شاید مهاجرت افراد تحصیلکرده مطلوب هم باشد، زیرا موجب کاهش فشار در جامعه می‌گردد. در عین حال آمار بیکاری که قبلاً ذکر شد تمایزی میان فارغ‌التحصیلان و افرادی که واقعاً دارایی صلاحیت و مهارت هستند نمی‌گذارد. در واقع، بر

اساس استدلال‌ها و شواهد یادشده، می‌توان حدس زد که بیکاران تحصیلکرده در کشور در زمره‌ی نیروی کار با مهارت تراز متوسط یا با تقاضای کم در بازار قرار دارند، در حالی که بخشی از نیروی کار متخصص و کارآفرین یا مستعد کسب تخصص و کارآفرینی از طریق مهاجرت از جمعیت فعال کشور خارج می‌شود. البته اگر این مهاجران پس از ارتقای توانایی‌هایشان یا افزودن بر سرمایه‌هایشان به ایران رجعت کنند. منافع خارج‌شده دوباره به کشور بازمی‌گردند. لیکن شواهد موجود حاکی از بازگشت قابل ملاحظه‌ی ایرانیان مقیم خارج نیست.

یکی دیگر از آثار مثبت بالقوه‌ی مهاجرت وجوه ارسالی مهاجران است. بانک مرکزی فاقد سازوکارهای لازم برای اندازه‌گیری این وجوه ارسالی است. لیکن طبق برآورد سرانگشتی و غیررسمی برخی مسئولان بانک مرکزی ایران (بر اساس مصاحبه در سال ۱۳۸۵ جهت تهیه‌ی این مقاله)، مقدار پول انتقال‌یافته از خارج کشور توسط ایرانیان در دوره‌ی اخیر سالانه حدود یک میلیارد دلار بوده است. اما برخی دیگر از مسئولان معتقدند که وجوه ارسالی نیروی کار شاغل در حوزه‌ی خلیج فارس (مشمول بر کارگران غیرماهر و نیمه‌ماهر که به دور از خانواده زندگی می‌کنند) به تنهایی حدود دو میلیارد دلار در سال است که به شکل کالای قاچاق (نه پول) وارد کشور می‌شود (بر اساس مصاحبه‌ی نگارنده با مسئولان اشتغال خارج از کشور وزارت کار در سال ۱۳۸۵). در هر صورت چون بحث ما در باب وجوه ارسالی نیروی کار متخصص است و بیشتر این گروه در آمریکای شمالی و اروپا به همراه خانواده‌ی خود اقامت دارند، می‌توان در کل نتیجه گرفت که وجوه ارسالی آنان ناچیز و کم‌تأثیر است. برعکس شواهد جسته‌گریخته حاکی از خروج سرمایه‌های فراوان از کشور همراه مهاجران است. البته در اواخر دهه‌ی ۱۳۷۰ و اوایل دهه‌ی ۱۳۸۰ تعدادی از ایرانیان صاحب سرمایه‌ی مقیم خارج به سرمایه‌گذاری در بخش‌های صنعتی و فناوری ایران رغبت نشان دادند، اما با توجه به تمرکز این گروه در آمریکا و وجود تحریم‌ها، این فعالیت‌ها در کل ناچیز بوده است. همچنین در سال‌های گذشته که نرخ بهره‌ی بانکی در ایران دو رقمی، افزایش قیمت مستغلات بی‌سابقه، و نرخ ارز تقریباً ثابت بوده است، سرمایه‌هایی جهت کسب سود سریع به ایران جذب شده است. اما نمی‌توان در مورد این نوع سرمایه‌های جذب‌شده (در مقابل سرمایه‌های فراری) یا تأثیرشان بدون مطالعه‌ی بیشتر با استناد به اطلاعات موثق (که موجود نیست) حرفی زد.

صرف نظر از آثار اقتصادی، غیبت مهاجران صاحب صلاحیت و تحصیلات از کشور به معنی فقدان تقاضا برای مجموعه‌ای از خدمات و کالاهای فرهنگی و اجتماعی است که عرضه‌شان می‌تواند بر کل اجتماع ایران تأثیر مثبت بگذارد. همچنین، می‌توان تصور کرد که با خروج این گروه از کشور دیگر حوزه‌ی سیاسی و اجتماعی ملزم به پاسخ به مطالبات (یقیناً

خاص و متفاوت) آنان نیست. در مقابل، حضور ایرانیان صاحب صلاحیت و تحصیلات در کشورهای خارجی بر روابط دیپلماتیک و سیاسی ایران با آن کشورها تأثیرگذار بوده است (البته هم مثبت و هم منفی)، اما موانع موجود رخصت بهره‌برداری کامل از استعدادهای بالقوه در این حوزه را نمی‌دهند.

### سازوکارهای دولتی مدیریت مهاجرت و اتصال مجدد مهاجران

همانطور که اشاره شد، مقامات دولتی ایران از تقاضای قابل توجه برای مهاجرت و ارزش اتصال مجدد مهاجران آگاهند. بر آنان پوشیده نیست که از یک‌سو تعداد زیادی نیروی کار صاحب صلاحیت و کارآفرین از ایران مهاجرت کرده‌اند یا در شرف مهاجرت از کشور هستند و از سوی دیگر نیروی کار مازاد ایرانی (دارای مهارت‌های تراز متوسط یا مازاد بر تقاضا) کمتر امکان پیدا کردن شغلی در خارج از کشور یافته است.

اعزام نیروی کار به خارج نخستین بار در ماده‌ی ۵۳ برنامه‌ی سوم کشور مبنی بر ایجاد کمیته‌ای جهت این امر متشکل از ۴ وزارتخانه و بانک مرکزی و تأکید بر مشارکت بخش‌های دولتی و خصوصی مورد توجه قرار گرفت. در برنامه‌ی چهارم نیز اهمیت مدیریت مهاجرت نیروی کار به رسمیت شناخته شد. تا چندی پیش اداره‌ی کل اشتغال خارج از کشور وزارت کار و امور اجتماعی با سه دفتر تحت نظارتش هماهنگ‌کننده‌ی اجرایی فعالیت‌های مرتبط با اعزام نیروی کار از کشور بود. تعدادی دفتر خصوصی کاریابی بین‌المللی ثبت‌شده در وزارت کار جهت اعزام نیروی کار فعال شدند و نیز اتحادیه‌ای از آنان برای مشارکت با دولت در مذاکرات دوجانبه‌ی بین‌المللی تشکیل دادند. به منظور افزایش منافع حاصل از اعزام نیروی کار (با سطح متوسط مهارت) به خارج از کشور و جلوگیری از قاچاق انسان دولت ایران تفاهم‌نامه‌هایی نیز با برخی کشورهای میزبان نیروی کار ایرانی امضاء نمود (به عنوان نمونه با کویت، کره‌ی جنوبی، بلژیک، آلمان، ایتالیا). صرف نظر از تلاش‌های فوق که امکان اعزام تعداد نسبتاً کمی نیروی کار را فراهم آورده است، به نظر می‌رسد در دو سه سال اخیر فعالیت‌های مرتبط با اعزام نیروی کار مازاد ایرانی کمترنگر شده‌اند. در برنامه‌ی پنجم توسعه نیز اشاره‌ای به اعزام نیروی کار نشده است. این کاهش توجه ممکن است متأثر از روابط بین‌المللی ایران باشد، هرچند که، حتی در اوج اجرای برنامه‌های اعزام، نیروی کار ایرانی با مشکل ندانستن زبان و ناآشنایی با محیط بین‌المللی روبرو بود.

نهاد مسئول در زمینه‌ی اتصال مجدد مهاجران ایرانی به کشور در طول زمان تکامل یافته و اکنون تحت عنوان شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور فعالیت می‌کند. این شورا تحت نظر

رئیس جمهور، به دبیری وزیر امور خارجه، و با شرکت چند وزیر اداره می‌شود. شورا دارای چهار کارگروه فرهنگی و رسانه‌ای (به ریاست وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی)، حقوقی و کنسولی (به ریاست وزیر امور خارجه، علمی و آموزشی (به ریاست وزیر علوم) و اقتصادی و بازرگانی (به ریاست وزیر امور اقتصادی و دارایی) است. برنامه‌های اصلی شورا شامل صورتبندی سیاست‌های معطوف به ایرانیان مقیم خارج، پیگیری راهبردها جهت ایجاد تعامل با آنان، حفظ هویت ایرانی آنان، حمایت از حقوق آنان، تسهیل حضور مؤثر آنان در کشور، هماهنگی میان نهادهای خدمات‌هنده، و تحکیم پیوندها از طریق تصویب قوانین می‌شود. این شورا در سال‌های اخیر توانسته ده‌ها گردهم‌آیی از ایرانیان در کشورهای مختلف ترتیب دهد و به تهیه بانک اطلاعاتی مهاجران و اجرای برنامه‌های ترویج زبان فارسی اقدام کند. اما نظر به وجود عوامل جدی دافعه که همچنان پابرجا هستند، به‌رغم کوشش‌های این شورا فاصله‌ی بسیار زیادی میان اهداف اتصال مجدد مهاجران و دست‌آوردها در این زمینه وجود دارد.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بنا به دلایل مختلف، شمار زیادی از ایرانیان در دهه‌های اخیر به خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند. همچنین، نمی‌توان پذیرفت که تقاضا برای مهاجرت از ایران در حال کم شدن است. بخش قابل توجهی از مهاجران و متقاضیان مهاجرت از ایران مشتمل بر نیروی کار متخصص، کارآفرینان و صاحبان سرمایه است. در واقع، ایران در زمره‌ی کشورهای است که به طور جدی با مشکل فرار مغزها روبرو هستند. حتی می‌توان گفت فرهنگ مهاجرت در ایران نزد اقلیت متخصص و با صلاحیت نهادینه شده است. همچنین شواهد کمی از ارسال پول به کشور یا سرمایه‌گذاری در اقتصاد کشور توسط مهاجران وجود دارد. امکان بازگشت یا اتصال مجدد مهاجران متخصص به کشور نیز به دلیل وجود پاره‌ای موانع جدی کم است. در مقابل، مهاجرت نیروی کار مازاد با مهارت‌های تراز متوسط و پایین تنها در سطح نازلی تحقق یافته است. کلید حل این معضلات صورتبندی برنامه‌های مدیریت مهاجرت است که از طریق آن‌ها بهترین نیروها در کشور حفظ شوند، نیروهای کار مازاد به خارج گسیل گردند، و مهاجران یا پس از مدتی به ایران بازگردند یا به واسطه‌ی سازوکارهایی به جامعه و اقتصاد (به لحاظ مالی، سرمایه‌گذاری یا انتقال دانش) ایران اتصال یابند. دولت ایران در چند سال گذشته به این امور توجه نموده است. اما تا زمانی که عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک دفع نیروی کار متخصص و موانع دیپلماتیک و آموزشی اعزام نیروی کار با مهارت‌های تراز متوسط و پایین کاهش نیابند، نمی‌توان به تحولات بزرگی در این زمینه‌ها امیدوار بود. در عین حال، می‌توان

سلسله‌ای از پیشنهادها را در کوتاه‌مدت جهت بهبود نسبی وضعیت کنونی به قرار ذیل به کار بست.

۱. مشخص کردن عواملی که منجر به فرار مغزها از ایران می‌شود دشوار نیست. در این مقاله به اجمال و تلویح به برخی از این عوامل اشاره شد. مهم آن است که از طریق نظام سیاسی و برنامه‌ریزی بدین چالش پاسخ گفت. هرچند نمی‌توان انتظار داشت که شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک حاکم به سادگی تغییر یابند، اما تعهد سیاسی در مورد پرداختن به موضوع فرار مغزها می‌تواند آغاز خوبی در این راه باشد.

۲. هرچند در سال‌های اخیر گام‌هایی در جهت مدیریت امر مهاجرت در ایران انجام شده است، اما ایران همچنان فاقد سیاست ملی مهاجرت است. صورت‌بندی چنین سیاستی خود مستلزم فراهم آوردن چارچوبی نهادی با مشارکت جامعه‌ی مدنی، متخصصان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، اقتصاددانان، و محققان علوم اجتماعی و نیز جلب همکاری سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان بین‌المللی مهاجرت و سازمان بین‌المللی کار است. سیاست ملی مهاجرت کشور باید از یک سو حق مهاجرت را نزد همه‌ی افراد به رسمیت بشناسد و از سوی دیگر شرایطی فراهم آورد تا منافع مهاجرت به کشور هم برسد.

۳. هم‌اکنون اطلاعات کافی جهت مدیریت مهاجرت در کشور موجود نیست، هرچند تلاش‌هایی در این زمینه شده است. ایجاد بانک‌های اطلاعاتی فراگیر و مرکز اسناد در مورد ویژگی‌های مهاجران و متقاضیان مهاجرت و نیازهای بازار کار در کشورهای مقصد حائز اهمیت است. همچنین، در حال حاضر، میزان ارز‌ارسالی به کشور توسط مهاجران به درستی مشخص نیست. این وضع خود در پیوند با فقدان سازوکارهای امن و قانونی جهت ارسال ارز است. ایجاد چنین سازوکارهایی می‌تواند موجب بهبود امنیت تراکنش‌ها و به تبع آن افزایش ارسال وجوه شود.

۴. پیوستن به میثاق‌های بین‌المللی مربوط به مهاجرت نیروی کار پس از بررسی منافع آن‌ها برای کشور می‌تواند به امر مدیریت مهاجرت کمک کند. همچنین، افزایش میزان تعاملات میان نهادهای مسئول کشور و سازمان‌ها و انجمن‌های بین‌المللی می‌تواند موجب انتقال تجربه و صورت‌بندی بهترین سازوکارهای مدیریت مهاجرت شود.

۵. وجود تعداد زیادی نیروی کار متخصص خارجی در ایران حاکی از کمبودهای نظام آموزشی و چارچوب یادگیری در کشور است. البته ماهیت این کمبودها به درستی آشکار نیست. لذا توصیه می‌شود برای روشن شدن موضوع مطالعه‌ای دقیق در باب کمبودهای برنامه‌های آموزشی رسمی در پیوند با نیازهای بازار کار و نیز ساختار شکل‌گیری

غیررسمی مهارت‌های (یادگیری در عمل، یادگیری از طریق تعامل و یادگیری گروهی) انجام شود. این پژوهش همچنین باید به این سؤال پاسخ دهد که آیا فرار مغزها از کشور خود باعث کمبود نیروی متخصص در داخل و نیاز به استفاده از نیروی کار خارجی نشده است.

## منابع

- حیات نواقصادی (۱۳۷۹)، شماره ۱۲۸، ص ۸.
- دفاتر حفاظت منافع ایران در واشنگتن (۱۳۷۹) «نگاهی به موقعیت و وضعیت زندگی ایرانیان در آمریکا»، گزارش داخلی.
- دفتر ریاست جمهوری (۱۳۸۳)، «گزارش کلیات فرار مغزها، مهاجرت، علل و راهکارها»، زیر نظر دکتر جلالی نائینی.
- روزنامه‌ی ایران (۱۳۸۱) شماره‌های ۲۲۰۹ و ۲۲۱۰.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۷۹)، «مهاجرت نخبگان؛ علل و راهکارها»، گزارش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- ستاد امور ایرانیان وزارت امور خارجه (۱۳۸۱) «بررسی آماری تحلیلی فرار مغزها»، گزارش داخلی.
- شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور (۱۳۷۹)، «ابعاد مهاجرت»، گزارش داخلی، ۱۳۷۹.
- شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور (۱۳۸۴)، «وضعیت آماری ایرانیان خارج از کشور و پراکندگی آن‌ها در کشورهای جهان»، گزارش داخلی.
- مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۱)، «خلاصه‌ی گزارش عملکرد کمیته بررسی علل مهاجرت نخبگان و راهکارهای جذب آنان»، انجمن حمایت از توسعه فناوری‌های مجله‌ی استعدادهای درخشان، سال ۱۱، شماره ۲، بهار ۱۳۸۱.
- مرکز امور ایرانیان خارج از کشور (۱۳۷۶)، «نگاهی به فعالیت‌های مرکز امور ایرانیان خارج از کشور»، گزارش داخلی.
- مرکز امور ایرانیان خارج از کشور (۱۳۸۲)، گزارش داخلی بی‌عنوان.
- مرکز آمار ایران ([www.sci.org.ir](http://www.sci.org.ir))
- مؤسسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی (۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳) «آمار آموزش عالی، تهران، مؤسسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- نوروز (۱۳۸۰)، شماره ۶۵، ص ۱۰.
- همشهری (۱۳۸۰)، شماره ۴۴۷۲.

- Ansari, M. (2004) "From the Immigrant to the Ethnic: The Iranian American Experience", *Persian Heritage*, Summer edition.
- Boyce, M. (2005) "Diaspora: In Pre-Islamic Times", in *Encyclopedia Iranica*, edited by Ehsan Yarshater (online edition observed on October 13, 2005 at [www.iranica.com](http://www.iranica.com)).
- Central Bank of Iran (2004/2005 [1383]) *Economic Trends*, No. 37, Second Quarter 1383.
- Citizenship and Immigration Canada (2005) "Facts and Figures: Immigration Overview, Permanent and Temporary Residents."
- Hakimzade. S. (2006) "Iran: A Vast Diaspora Abroad and Millions of Refugees", ([www.migrationinformation.org](http://www.migrationinformation.org)).
- Harris, N. (2002) *Thinking the Unthinkable: The Immigration Myth Exposed*, London: I.B. Tauris.
- International Monetary Fund (1998) "How big is the brain drain?", IMF Working Paper 98/102, by William J. Carrington and Enrica Detragiache.
- MIT Iranian Studies Group (2003) "Fact-sheet on the Iranian-American Community".
- MIT Iranian Studies Group (2004) "An Overview of Socio-economic Characteristics of the Iranian-American Community based on the 2000 Census", prepared by Ali Mostashari and Ali Khodamhosseini.
- Russell, S. (1992) "Migrant Remittance and Development", *International Migration*, Vol. 30, No. 3-4: 267-287.
- Skeldon, R. (1990) *Population Mobility in Developing Countries: A Reinterpretation*, London: Belhaven.
- Skeldon, R. (2003) "Migration and Poverty", Presented at the Conference on African Migration and Urbanization in Comparative Perspective.
- UNHCR (2003) 2003 ASR. Date of query 09 June 2003 ([www.unher.ch/statistics](http://www.unher.ch/statistics))
- UNHCR (2004) Asylum Levels and Trends in Industrialized Countries, Q3-UNHCR Geneva, 15 November 2004 ([www.unher.ch/statistics](http://www.unher.ch/statistics)).
- University of Sussex (2000) Global Migrant Origin Database.
- U.S. Census Bureau (2000) Summary File 4. U.S. 2000 Census.
- U.S. Department of Homeland Security (<http://uscis.gov>).